

لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری

ماده ۱- کانون وکلای دادگستری مؤسسه‌ای است مستقل و دارای شخصیت حقوقی که در مقر هر دادگاه استان تشکیل می‌شود. در نقاطی که کانون وکلا وجود ندارد تشکیل کانون مشروط به این است که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشد و تا وقتی که عده وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای آن حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز خواهند بود. کانون وکلا از قسمت‌های ذیل تشکیل می‌شود:

الف- هیأت عمومی.

ب- هیأت مدیره.

ج- دادرسی انتظامی وکلا.

د- دادگاه انتظامی وکلا.

ماده ۲- کانون وکلا هر محل به وسیله هیأت مدیره اداره خواهد شد هیأت مدیره کانون وکلا مرکز از ۱۲ نفر عضو اصلی و شش نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود و در سایر مراکز دادگاه‌های استان مرکب از پنج نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل خواهد بود. هیأت مدیره عهده دار امور مربوط به کانون بوده و رییس هیأت سمت ریاست کانون را دارد و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است رییس کانون کلیه اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام خواهد داد.

تبصره- بقاء عضویت هیأت مدیره مشروط بر این است که محل اقامت وکیل منتخب در تمام مدت عضویت در مرکز همان استان باشد.

ماده ۳- هیأت عمومی کانون وکلا هر استان از وکلایی که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند و حائز شرایط زیر باشند تشکیل می‌شود و هر دو سال یک بار برای انتخاب اعضای هیأت مدیره تشکیل جلسه می‌دهد. وکلایی که واجد شرایط زیر باشند می‌توانند در انتخاب اعضاء هیأت مدیره کانون شرکت نمایند:

الف- وکلا پایه یک و دو دادگستری مشروط بر این که:

۱. محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا نداشته باشند

۲. در حال تعلیق از وکالت نباشند

ماده ۴- اعضاء هیأت مدیره کانون وکلا از بین وکلا پایه یک هر حوزه که واجد شرایط زیر باشند برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند:

الف- لااقل ۳۵ سال داشته باشند.

ب- لیسانس حقوق بوده و لااقل ده سال سابقه وکالت یا قضاوت داشته باشند به شرط آن که پنج سال آن سابقه وکالت پایه یک باشد.

ج- وکلایی که فاقد دانشنامه لیسانس می‌باشند در صورتی می‌توانند انتخاب شوند که دارای مدت ۲۰ سال سابقه وکالت و یا بیست سال سابقه وکالت و قضاوت باشند به شرط آن که پنج سال از مدت مزبور سابقه وکالت پایه یک داشته باشند.

د- محکومیت انتظامی بالاتر از درجه ۴ نداشته باشند.

ه- سوء شهرت نداشته باشند.

تبصره- رییس و اعضاء هیأت مدیره کانون وکلا رؤساء و اعضای دادگاه‌های انتظامی وکلا و دادستان و داریاران دادرسی انتظامی وکلا نباید عضویت احزاب ممنوعه را داشته باشند و در صورت تخلف دادگاه عالی انتظامی قضات آن را به محرومیت از عضویت هیأت مدیره و دادگاه و دادرسی‌های انتظامی وکلا محکوم خواهد کرد. دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است به محض اطلاع به موضوع رسیدگی کند رأی دادگاه قطعی است.

ماده ۵- هیأت مدیره کانون وکلا مرکز از بین اعضاء خود یک نفر رییس و دو نفر نایب رییس و دو منشی و دو بازرس به رأی مخفی برای مدت یک سال انتخاب می‌نماید و در سایر حوزه‌ها هیأت مدیره مرکب از یک رییس و یک نایب رییس و یک منشی و یک بازرس خواهد بود.

ماده ۶- وظایف کانون وکلا به قرار زیر است:

- الف- دادن پروانه وکالت به داوطلبانی که واجد شرایط قانونی باشند.
- ب- اداره امور راجع به وکالت دادگستری و نظارت بر اعمال و کلا و کارگشایان.
- ج- رسیدگی به تخلفات و تعقیب انتظامی و کلا و کارگشایان دادگستری به وسیله دادسرا و دادگاه انتظامی وکلا.
- د- معاضدت قضایی.
- ه- فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا.
- ماده ۷- از تاریخ اجراء این قانون فقط به کسانی پروانه وکالت داده می‌شود که از دانشکده‌های حقوق داخله و یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس باشند. اشخاص مزبور پس از اخذ پروانه وکالت مکلف هستند لااقل یک سال به کارآموزی اشتغال ورزند پس از اختبار و قبول آنان پروانه وکالت پایه یک داده می‌شود.
- ماده ۸- به اشخاص زیر پروانه وکالت درجه اول از طرف کانون وکلا داده می‌شود:
- الف- به کسانی که دارای ده سال متوالی یا پانزده سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.
- ب- کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و ۵ سال سابقه خدمات قضایی داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشد.
- ج- نمایندگان هر یک از مجلسین که علاوه از عضویت کمیسیون دادگستری سابقه تدریس در دانشکده حقوق داشته و یا حداقل بیست سال در دو اثر وزارت دادگستری و یا ثبت اسناد انجام وظیفه اداری نموده باشند به شرط آن که از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت دو ماه درخواست صدور پروانه نمایند.
- تبصره- کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و دو سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند از انجام دوره کارآموزی معاف می‌باشند. ولی در این مورد مدت انتظار خدمت از لحاظ اخذ پروانه وکالت جزء خدمت محسوب نمی‌شود.
- ماده ۹- کسانی که تا این تاریخ دارای پروانه وکالت بوده و سلب صلاحیت از آنان نشده وکیل دادگستری شناخته می‌شود.
- ماده ۱۰- به اشخاص زیر اجازه وکالت داده نمی‌شود:
۱. اتباع خارجه
 ۲. قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی و بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت است در حین اشتغال به خدمت به استثنای استادان دانشکده حقوق که اشتغال به تدریس در یکی از شعب حقوقی دارند در صورت اجازه شورای دانشگاه
 ۳. محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد
 ۴. محکومین به انفصال ابد از خدمات دولتی
 ۵. اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و افیون و اعمال منافی عفت
 ۶. محکومین به جنایت مطلقاً و محکومین به جنحه‌هایی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت است به تشخیص هیأت مدیره کانون و یا آنکه به موجب قانون مستلزم محرومیت از بعضی حقوق اجتماعیست
 ۷. کسانی که به اتهام جنایت یا جنحه‌های مذکور در ماده فوق تحت محاکمه هستند
 ۸. اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت محروم شده‌اند
- ماده ۱۱- وکلایی که تقاضای ترفیع می‌نمایند باید علاوه بر شرایط مقرر قانونی گواهی حسن انجام وظیفه وکالتی به ترتیبی که ذیلاً درج می‌گردد اخذ نمایند.
- در نقاطی که در محل اقامت وکیل دادگاه بخش یا شهرستان تشکیل گردیده گواهی مزبور باید به تصدیق رییس دادگاه‌های مزبور و دادستان شهرستان یا قائم مقام آنها برسد و در صورتی که اقامتگاه وکیل در مرکز استان باشد گواهی مزبور باید علاوه بر تصدیقات مذکور به گواهی رییس کل دادگاه‌های استان و دادستان استان برسد.
- تبصره - مقامات قضایی فوق در صورت احتیاج پس از استعمال از دوائر تابعه مبادرت به صدور گواهی می‌نمایند.

ماده ۱۲- در صورتی که وکیل دادگستری یا زوجه او با دادرسی یا دادستان یا دادیار یا بازپرس قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته باشد مستقیماً یا با واسطه از قبول وکالت در آن دادگاه یا نزد آن دادستان یا دادیار یا بازپرس ممنوع است.

ماده ۱۳- دادرسی انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری و تعقیب آنان بوده و از دادستان و عده لازم دادیار که از طرف هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال به رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد. دادرسی انتظامی وکلا پس از رسیدگی به تخلفات و شکایات در صورتی که عقیده بر تخلف داشته باشد کیفرخواست صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار منع تعقیب خواهد داد. قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رییس کانون ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی قابل شکایت در دادگاه‌های انتظامی وکلا خواهد بود. در صورتی که دادگاه انتظامی وکلا قرار منع تعقیب را صحیح ندانست به موضوع رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید.

ماده ۱۴- رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان دادگستری به عهده دادگاه انتظامی وکلا است. دادگاه مزبور از ۳ نفر وکیل درجه ۱ که به انتخاب هیأت مدیره کانون برای مدت دو سال تعیین می‌گردد تشکیل می‌شود و برای مدت مزبور هیأت مدیره دو نفر عضو علی‌البدل از بین وکلا پایه ۱ انتخاب می‌نماید که در مورد غیبت یا معذوریت اعضاء اصلی در دادگاه انتظامی شرکت نمایند. مجازات‌های درجه ۱ و ۲ و ۳ نسبت به وکیل مورد تعقیب قطعی است ولی شاکی خصوصی که تعقیب به موجب شکایت او به عمل آمده از کلیه آراء صادره و همچنین دادرسی انتظامی وکلا و رییس کانون از حکم برائت و از مجازات‌های درجه ۴ به بالا می‌تواند ظرف مدت ده روز پس از ابلاغ با رعایت مسافت طبق قانون آیین دادرسی مدنی تقاضای تجدیدنظر نماید. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضاات بوده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۵- در صورتی که رییس دادگاه یا دادستان شهرستان و یا رییس دادگاه استان یا دادستان تخرلفی از وکیل مشاهده نمایند که قابل تعقیب باشد باید مراتب را کتباً به دادرسی انتظامی وکلا اطلاع دهند در صورتی که دادرسی مزبور موضوع را قابل تعقیب تشخیص دهد پرونده را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی وکلا ارجاع می‌کند و در غیر این صورت نظر خود را با ذکر دلیل به دادستان استان اطلاع می‌دهد و اگر دادستان مزبور به نظر دادرسی انتظامی وکلا تسلیم نشد رأساً از دادگاه انتظامی وکلا رسیدگی به موضوع را تقاضا می‌نماید.

ماده ۱۶- هرگاه وزیر دادگستری به جهتی از جهات وکیلی را قابل تعقیب دانست می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا با ذکر دلایل امر تقاضای رسیدگی نماید و نیز در صورتی که به حکم دادگاه مزبور تسلیم نباشد تقاضای تجدید نظر کند.

ماده ۱۷- از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع نمود مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی.

ماده ۱۸- در صورتی که وزیر دادگستری یا رییس هیأت مدیره کانون وکلا به جهتی از جهات اشتغال وکیل مورد تعقیب را به کار وکالت مقتضی نداند می‌تواند از دادگاه انتظامی وکلا تعلیق موقت او را بخواهد و دادگاه موظف است در جلسه خارج از نوبت به این درخواست رسیدگی نموده و در صورتی که رأی بر تعلیق صادر شود این رأی قابل اجراء خواهد بود و همچنین در صورت درخواست ۶ نفر از اعضای هیأت مدیره کانون مکلف است از دادگاه تقاضای تعلیق وکیل مورد تعقیب را بنماید. از رأی مزبور وکیل معلق می‌تواند تقاضای تجدید نظر نماید و نیز از رأی عدم تعلیق وزیر دادگستری یا رییس کانون وکلا حق تقاضای تجدید نظر دارند. دادگاه عالی انتظامی قضاات به کلیه این درخواست‌ها خارج از نوبت رسیدگی نموده و رأی دادگاه مزبور قطعی است.

ماده ۱۹- میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه‌ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد.

ماده ۲۰- هر کس نسبت به وکیل دادگستری در حین انجام وظیفه وکالتی یا به سبب آن توهین نماید به حبس تأدیبی از پانزده روز الی سه ماه محکوم خواهد گردید.

ماده ۲۱- در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظایف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلا تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می‌نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضاات احاله خواهد نمود.

ماده ۲۲- کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل انتخابات و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آنها و ترفیع و کارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجراء گذاشته می شود.

ماده ۲۳- برای تصفیه وکلای فعلی دادگستری دادرسی انتظامی وکلا تهران موظف است از تاریخ تصویب این قانون در مدت شش ماه سوابق کلیه وکلا دادگستری مرکز و در مدت یک سال به سوابق وکلا دادگستری خارج از مرکز رسیدگی کرده و کسانی را که تشخیص دهد صلاحیت تصدی شغل وکالت را ندارند پرونده آنان را به دادگاه انتظامی وکلا برای رسیدگی بفرستد و دادگاه مزبور باید از تاریخ وصول هر پرونده به دادگاه حداکثر در مدت دو ماه رسیدگی کرده در صورتی که تشخیص دهد که وکیل صلاحیت ادامه اشتغال به وکالت را ندارد از او سلب صلاحیت نماید. از حکم دادگاه انتظامی وکلا وزیر دادگستری و دادستان انتظامی وکلا و وکیل محکوم می توانند تجدید نظر بخواهند. مرجع تجدید نظر دادگاه عالی انتظامی قضاات است که رأی آن قطعی خواهد بود.

ماده ۲۴- لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب اسفند ۱۳۳۱ و آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵ و بند ۸ از ماده اول قانون بودجه سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی و سایر قوانین و مقررات راجع به وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می شود.

ماده ۲۵- وزارت دادگستری می تواند با تصویب شورای عالی قضایی وکلا پایه یک دادگستری را برای خدمات قضایی انتخاب و تعیین نماید و در این صورت سنین وکالت درجه یک در حکم سابقه قضایی منظور و بر طبق آن رتبه قضایی شخصی که انتخاب می شود معین خواهد شد.

ماده ۲۶- وزارت دادگستری مأمور اجراء این قانون است.

تخصصی حقوق
پارلمان فراهدف

آیین نامه لایحه قانونی استقلال قانون وکلای دادگستری

مصوب ۱۳۳۴

بخش اول - انتخاب هیئت مدیره

ماده ۱- هیئت مدیره دو ماه به انقضاء هر دوره از بین وکلایی که حق حضور در هیئت عمومی دارند چهار نفر به عنوان عضو اصلی و دو نفر به عنوان عضو علی البدل به رأی مخفی از خارج هیئت مدیره انتخاب می نماید که به ریاست رئیس کانون هیئت نظارت انتخاب هیئت مدیره بعد را تشکیل داده و به انتخاب آن اقدام نمایند.

تبصره- هر یک از اعضاء اصلی حاضر نشوند یا معذور از مداخله شوند عضو علی البدل به جای او دخالت خواهد کرد.

ماده ۲- صورت اسامی و مشخصات وکلایی که به موجب قانون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارند در ظرف یک هفته از تاریخ انتخاب هیئت نظارت از طرف کانون به هیئت مزبور داده می شود.

ماده ۳- وقت و محل تشکیل هیئت عمومی برای انتخاب هیئت مدیره باید از طرف هیئت نظارت تعیین و تا دهم بهمن ماه در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار (به تشخیص هیئت نظارت) آگهی شود و فاصله بین انتشار آگهی و روز جلسه نباید کمتر از ۲۰ روز باشد. و یک نسخه از آگهی به وسیله پست سفارشی باید برای کسانی که حق حضور در هیئت عمومی دارند فرستاده شود.

ماده ۴- اگر روز جلسه مصادف با تعطیل شد روز بعد تشکیل می شود و احتیاج به دعوت مجدد نخواهد بود.

ماده ۵- در وقت مقرر جلسه هیئت عمومی با حضور هر عده که حاضر شده باشند تشکیل و بدو هیئت نظارت صندوق ضبط آراء را برای اطمینان از خالی بودن آن به حاضرین ارائه داده آن را لاک و مهر می نماید و بعد شروع به گرفتن آراء می کند و هیچگونه اظهار یا اقدام دیگری در جلسه هیئت عمومی جائز نیست و تبلیغ به موافقت یا مخالفت اشخاص به کلی ممنوع است.

ماده ۶- انتخاب جمعی و مخفی است و باید رأی روی اوراقی که به مهر هیئت نظارت رسیده نوشته شود و رأی دهنده پس از ارائه پروانه وکالت رأی خود را در صندوق آراء بیندازد و در صورت اسامی واجدین شرایط انتخاب کردن مقابل اسم خود را امضاء نماید.

ماده ۷- حق رأی کسانی که تا پایان جلسه حاضر نشده و رأی ندهند ساقط است.

ماده ۸- پس از اتمام اخذ آراء اگر وقت کافی باشد شروع به قرائت آن می شود والا هیئت نظارت صندوق را لاک و مهر کرده و روز بعد شروع به استخراج می نماید و بر هر ورقه که قرائت شد مهر قرائت شد زده و ضبط خواهد شد.

ماده ۹- آرائی که دارای نشان یا امضاء باشد باطل است و اسامی مکرر حساب نمی شود و اسامی زائد بر عده که باید انتخاب شوند قرائت نخواهد شد.

ماده ۱۰- آراء قرائت شده پس از اتمام آن در صندوق ضبط و از طرف هیئت نظارت لاک و مهر شده و تا انقضاء مدت شکایت یا حصول نتیجه شکایت محفوظ خواهد ماند تا در صورت احتیاج مورد رسیدگی واقع شود و بعد ابطال خواهد شد.

ماده ۱۱- از واجدین شرایط انتخاب شدن کسانی که دارای رأی بیشتر هستند عضو اصلی و کسانی که بعد از اعضاء اصلی بیش از سایرین دارای رأی می‌باشند عضو علی‌البدل هستند.

ماده ۱۲- مدت شکایت از جریان انتخابات تا سه روز بعد از اتمام قرائت آراء می‌باشد و شکایت از کسانی که حق رأی دادن دارند پذیرفته است.

ماده ۱۳- مرجع رسیدگی به شکایات هیئت نظارت انتخابات است و مکلف است ظرف سه روز به شکایت رسیدگی و نظر خود را در محل اخذ آراء اعلام نماید.

تبصره- قضاتی که به درخواست خود بازنشسته، مستعفی یا باز خرید شوند، چنانچه ظرف ۶ ماه از تاریخ قطع رابطه تقاضای صدور پروانه وکالت نمایند از ارائه گواهی عدم سوء پیشینه و عدم اعتیاد معاف می‌باشند.

ماده ۱۴- کسی که بر تصمیم هیئت نظارت معترض است می‌تواند به وسیله دفتر کانون به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید مدت این شکایت سه روز از تاریخ اعلام تصمیم هیئت نظارت است و دادگاه مزبور منتهی در ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول شکایت رسیدگی و رأی خواهد داد و رأی مزبور قطعی است.

ماده ۱۵- پس از اتمام انتخاب و تعیین نتیجه قطعی رئیس هیئت نظارت اسامی منتخبین را اعلام و آنان را برای تشکیل هیئت مدیره (قبل از تاریخ هفتم اسفند ماه که روز جشن کانون است) دعوت می‌نماید.

ماده ۱۶- در صورت ابطال انتخاب تجدید آن بر طبق مقررات بالا خواهد بود در این صورت تا تعیین هیئت مدیره جدید هیئت مدیره سابق انجام وظیفه خواهد نمود.

بخش دوم- انتخابات هیئت رئیسه و عامله کانون و وظایف آن

ماده ۱۷- جلسه هیئت مدیره برای انتخاب رئیس به ریاست مسن‌ترین اعضاء اصلی حاضر هیئت مدیره تشکیل می‌شود و دو نفر جوان‌ترین اعضاء موقتاً سمت منشی‌گری خواهند داشت.

ماده ۱۸- رئیس کانون و کلاء مرکز باید لااقل بیست سال سابقه وکالت درجه اول داشته و سن او کمتر از پنجاه سال نباشد و نواب رئیس باید لااقل ده سال سابقه وکالت درجه اول داشته و سن ایشان کمتر از چهل سال نباشد و در خارج مرکز بدون رعایت دو شرط فوق رئیس و نواب رئیس از بین اعضاء هیئت مدیره انتخاب می‌شوند.

ماده ۱۹- انتخاب هیئت رئیسه کانون از بین اعضاء اصلی بطور فردی و مخفی و به اکثریت نسبی به عمل می‌آید مگر در موردی که اکثریت مخصوصی در این آئین نامه برای آن مقرر شده باشد و در آن مورد هم اگر در دفعه اول اکثریت مخصوصی حاصل نشد در دفعه دوم اکثریت نسبی معتبر خواهد بود.

تبصره- رئیس کانون باید در تهران لااقل دارای هشت رأی و در سایر کانون‌ها دارای چهار رأی باشد.

ماده ۲۰- رئیس کانون وکلاء نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی است و اعمال اداری و حقوقی کانون را انجام می‌دهد و ریاست هیئت مدیره به عهده او است و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات وکلاء و کارآموزان و کارگشایان از یکدیگر در امور مربوط به شغل شان می‌باشد و همچنین ناظر اعمال و رفتار کلیه وکلاء و کارآموزان و کارگشایان بوده و می‌تواند خبط و خطا و انحرافات شغلی آنان را کتباً تذکر دهد و تعقیب انتظامی و کیل متخلف را از داسرای انتظامی بخواهد اجراء تصمیمات هیئت مدیره کانون نیز به عهده او خواهد بود.

ماده ۲۱- رئیس کانون نسبت به کلیه کارمندان اداری و دفتر کانون سمت ریاست مستقیم دارد.

ماده ۲۲- رئیس کانون وکلاء مرکز از حیث شئون و تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور است و رؤسای سایر کانون ها در ردیف دادستان استان هستند.

ماده ۲۳- دعوت هیئت مدیره و هیئت عمومی وکلاء به عهده رئیس کانون است.

ماده ۲۴- انتخاب رئیس و نواب رئیس و سایر اعضاء هیئت رئیسه هر چند نوبت جائز است.

ماده ۲۵- اداره جلسات هیئت مدیره در غیبت رئیس با یکی از نواب رئیس می‌باشد. تقسیم کار و وظایف بین اعضاء هیئت رئیسه ضمن آئین نامه داخلی کانون تعیین خواهد شد.

ماده ۲۶- انتخاب بازرسان و منشیان هیئت مدیره پس از انتخاب رئیس و نواب رئیس به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۷- در صورتی که یکی از اعضاء اصلی هیئت مدیره سه ماه متوالی بدون عذر موجه غیبت نماید یکی از اعضاء علی‌البدل که رأی او بیشتر است به عضویت اصلی قائم مقام او خواهد شد و عضو غائب قائم مقام عضو مزبور خواهد گردید.

بخش سوم - پروانه وکالت و کارآموزی

ماده ۲۸- پروانه وکالت به عهده لازم داده می‌شود و به نسبت هر ده نفر وکیل یک پروانه کارآموزی علاوه بر عهده معین داده خواهد شد.

ماده ۲۹- عده وکیل لازم برای هر محل به وسیله کمیسیون متشکل از رؤساء کل دادگاههای استان مرکز و دادگاههای شهرستان تهران و دادگاههای بخش تهران و سه نماینده از طرف کانون به دعوت رئیس کانون تعیین خواهد شد.

ماده ۳۰- در صورتی که عده وکیل در محلی زائد بر عده معین از طرف کمیسیون باشد به استناد رأی کمیسیون نمی‌توان مانع وکالت عده زائد شد و در صورتی که کمتر باشد تا عده معین پروانه داده می‌شود.

تبصره- صورت نقاطی که محتاج به وکیل است در دفتر کانون به دیوار نصب می‌شود که داوطلبان شغل وکالت با توجه به آن تقاضانامه بدهند.

ماده ۳۱- در تقاضای پروانه وکالت و کارآموزی باید نکات ذیل تصریح شود:

۱- نام شخصی و خانوادگی و نام پدر متقاضی.

۲- محل اقامت متقاضی به طوری که مأمور کانون دادگستری یا پست بتواند بدون زحمت اوراق را در محل مزبور ابلاغ نمایند.

۳- اشتغالاتی که قبل از تاریخ تقاضا داشته و در حین تقاضا دارد.

۴- تصریح به اینکه محکومیت جنحه و جنائی ندارد و در صورت داشتن چنین سابقه به چه عنوان و به چه مجازاتی محکوم شده است.

۵- تصریح به عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.

۶- ذکر مجوز قانونی تقاضا.

۷- تعیین و معرفی محلی که می‌خواهد در آن اشتغال به وکالت داشته باشد.

۸- معرفی شخصی که متقاضی می‌خواهد نزد او کارآموزی نماید.

ماده ۳۲- تقاضا باید دارای ضوابط ذیل باشد:

۱- رونوشت گواهی شده شناسنامه.

۲- چهار قطعه عکس.

۳- گواهینامه عدم سوء سابقه.

۴- در صورت داشتن سابقه شغل در وزارتخانه یا اداره دولتی و مملکتی و بلدی یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت

است گواهی‌نامه حسن سابقه خدمت از مراجع مربوطه.

۵- گواهینامه عدم اعتیاد به افیون و سایر مواد مخدره.

۶- رونوشت مصدق مستند تقاضا از دانشنامه یا سابقه شغل قضائی و مقاماتی که دارا بوده و مدت آن.

۷- گواهینامه شورای عالی فرهنگ راجع به ارزش دانشنامه که از دانشگاههای خارج صادر شده.

۸- گواهینامه اداره کل بازنشستگی راجع به عدم اشتغال به مشاغل دولتی و بازنشستگی.

تبصره- کانون میتواند برای تشخیص حسن سابقه خدمت قضات دادگستری خلاصه پرونده کارگزینی آنانرا مطالبه نمایند.

ماده ۳۳- در صورتی که تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی برای محلی باشد که به قدر احتیاج دارای وکیل است عدم قبول آن از طرف دفتر

به متقاضی اخطار می‌شود و در صورتی که برای محلی باشد که محتاج وکیل است و تقاضانامه یا ضوابط آن ناقص باشد بلااثر می‌ماند تا از

طرف متقاضی تکمیل شود در این صورت تاریخ تکمیل تاریخ تقاضا محسوب است.

ماده ۳۴- تقاضانامه پروانه وکالت و کارآموزی در صورتی که نقصی نداشته باشد و در صورتی که دارای نقص باشد پس از رفع نقص از طرف

دفتر کانون به نظر رئیس کانون می‌رسد و رئیس کانون رسیدگی به هر یک از تقاضاها را به یکی از اعضاء کانون و یا کارمندان اداری کانون یا

کارآموزان رجوع می‌نماید که در ظرف یک هفته رسیدگی کرده و گزارش خود را به رئیس کانون تسلیم نماید گزارش مزبور در هیئت‌مدیره طرح

می‌شود و در صورت قبول تقاضای وکالت پروانه صادر خواهد شد.

و اگر دادن پروانه کارآموزی به متقاضی تصویب شد به کمیسیون کارآموزی رجوع می‌شود و در صورت رد تقاضای پروانه وکالت یا کارآموزی

متقاضی می‌تواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تصمیم هیئت‌مدیره به دادگاه عالی انتظامی قضات شکایت نماید و دادگاه مزبور رسیدگی کرده

در صورت عدم ورود شکایت تصمیم کانون را استوار و در صورت ورود شکایت حکم می‌دهد پروانه مورد نظر دادگاه به متقاضی داده شود و

حکم دادگاه عالی انتظامی قطعی و اجراء آن به عهده ریاست کانون است و متخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است.

ماده ۳۵- کمیسیون کارآموزی از پنج نفر وکلایی که واجد شرایط عضویت هیئت‌مدیره باشند از بین اعضاء هیئت‌مدیره یا از خارج اعضاء هیئت

یا بطور مختلط از طرف هیئت‌مدیره تعیین می‌شود.

ماده ۳۶- کارآموز موظف است در دوره کارآموزی تکالیف ذیل را تحت نظر کانون انجام دهد:

۱- کارهای معاضدت قضائی که از طرف شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون رجوع می‌شود.

۲- حضور در سخنرانیها.

۳- حضور در جلسات دادرسی مدنی و کیفری لااقل ماهی چهار مرتبه.

۴- تهیه گزارش چند پرونده که به او رجوع می‌شود.

۵- کارکردن در کانون اعم از دادسرا یا دادگاه یا شعبه معاضدت قضائی یا راهنمایی یا سایر کارهای اداری و دفتری.

۶- کارکردن نزد یکی از وکلاء با سابقه دادگستری.

ماده ۳۷- هر کارآموز دارای کارنامه مخصوص خواهد بود که از طرف کانون به او داده می‌شود در این کارنامه باید حضور در جلسات دادگاهها به گواهی رؤساء دادگاهها و کارهایی که نزد وکیل سرپرست انجام داده است و حسن اخلاق در دوره کارآموزی به گواهی وکیل سرپرست و کارهای معاضدت قضائی به گواهی شعبه معاضدت قضائی یا ریاست کانون و تمرینات و سخنرانیها به گواهی رئیس شعبه سخنرانیهای کانون و کارهایی که در کانون انجام می‌دهند به گواهی مدیر داخلی کانون برسد.

ماده ۳۸- انجام تکالیف کارآموزی افتخاری و مجانی است ولی از کارهایی که کارآموز خود قبول می‌نماید و تحت نظر وکیل سرپرست انجام می‌دهد می‌تواند حق الزحمه از صاحب کار دریافت نماید.

ماده ۳۹- پس از حاضر شدن پروانه وکالت و قبل از تسلیم به متقاضی مشارالیه باید در حضور ریاست کانون و لااقل دو نفر از اعضاء هیئت مدیره به شرح ذیل قسم یاد کرده و صورت مجلس قسم و قسم‌نامه را امضاء نماید.

«در این موقع که می‌خواهم به شغل شریف وکالت نائل شوم به خداوند قادر متعال قسم یاد می‌کنم که همیشه قوانین و نظامات را محترم شمرده و جز عدالت و احقاق حق منظوری نداشته و برخلاف شرافت قضاوت و وکالت اقدام و اظهاری ننمایم و نسبت به اشخاص و مقامات قضائی و اداری و همکاران و اصحاب دعوی و سایر اشخاص رعایت احترام را نموده و از اعمال نظریات سیاسی و خصوصی و کینه توزی و انتقام جوئی احتراز نموده و در امور شخصی و کارهایی که از طرف اشخاص انجام می‌دهم راستی و درستی را رویه خود قرار داده و مدافع از حق باشم و شرافت من وثیقه این قسم است که یاد کرده و ذیل قسم‌نامه را امضاء می‌نمایم»

تبصره- در صورتی که وکیل در خارج از محل کانون باشد در حضور رئیس عالیترین دادگاه محل اقامت خود و دو نفر از وکلاء آن محل به دعوت رئیس دادگاه باید قسم یاد نماید و اگر در محل وکیل نباشد در حضور رئیس دادگاه قسم یاد خواهد کرد.

ماده ۴۰- کارآموزانی که در محل سکونت آنان جلسات سخنرانی و کانون نیست یا کانون به وجود ایشان احتیاج ندارد از سخنرانی و کارکردن در آن مراجع معافند.

ماده ۴۱- پس از انجام تکالیف مقرر در دوره کارآموزی کارآموز می‌تواند از کانون درخواست اعلام طی دوره کارآموزی را بنماید و رئیس کانون رسیدگی به تقاضای مزبور را به شعبه کارآموزی ارجاع و شعبه مزبور مدارک کارآموزی را مورد مذاقه قرار داده و اختیار کتبی و شفاهی از او به عمل آورده گزارش آن را به رئیس کانون خواهد داد تا در هیئت مدیره مطرح و تصمیم مقتضی نسبت به آن اتخاذ شود.

ماده ۴۲- در صورتی که تقاضای اعلام طی دوره کارآموزی مورد موافقت هیئت مدیره واقع نشد باید تجدید شود و در هر دفعه به ترتیبی که در نوبت اول مقرر است عمل خواهد شد.

ماده ۴۳- کارآموزان و همچنین وکلاء دادگستری نمی‌توانند به شغل دیگری که منافای با حیثیت و شئون وکالت است اشتغال ورزند.

ماده ۴۴- چنانچه کارآموز تکالیف مقرر را انجام داده و از عهده اختیار برآید پروانه وکالت درجه یک به او داده خواهد شد.

ماده ۴۵- کانون می تواند برحسب ضرورت و احتیاج از داوطلبان کارگشائی طبق آئین نامه امتحان نموده و پروانه کارگشائی برای حوزه معینی به آنان بدهد. ترتیب تقاضای کارگشائی همان است که برای پروانه وکالت مقرر گردیده به جز مدرک علمی که لازم نیست ولی باید در محل مورد تقاضا وکیل به قدر کافی وجود نداشته باشد و ترتیب دادن پروانه نیز مطابق ترتیب پروانه وکالت است.

ماده ۴۶- مادام که کارآموز دوره کارآموزی را طی نکرده و پروانه وکالت مستقل به وی داده نشده نام او در فهرست اسامی وکلاء درج نخواهد شد.

بخش چهارم- ترفیعات

ماده ۴۷- با احراز شرائط ذیل وکیل می تواند به درجه بالاتر وکالت نائل گردد:

- ۱- اشتغال به وکالت لااقل دو سال در درجه سوم و سه سال در درجه دوم.
 - ۲- حسن انجام وظیفه در دادگاههای مربوطه و حسن انجام معاضدتهائی که به او رجوع شده.
 - ۳- ترقی علمی و عملی که از طریق اختیار باید احراز شود.
 - ۴- رعایت نظامات مربوطه به امر وکالت طبق آئین نامه ها.
- تبصره- مدت ترفیع نسبت به کسانی که به تنزیل درجه محکوم شده اند از تاریخ حکم قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸- تقاضای ترفیع باید بعد از انقضاء مواعد مقرر در ماده قبل به دفتر کانون داده شود و گواهی نامه حسن انجام وظیفه در دادگاهها از رؤساء دادگاهها و حسن انجام کارهای معاضدت قضائی یا عدم رجوع آن از شعبه معاضدت قضائی و گواهی رعایت آئین نامه ها از دادسرای انتظامی وکلاء باید ضمیمه تقاضا باشد.

ماده ۴۹- تقاضاهائی که با رعایت شرایط مقرر در ماده ۴۷ و ۴۸ تا آخر فروردین هر سال شده باشد از طرف دفتر به نظر رئیس کانون می رسد و برای رسیدگی به کمیسیون ترفیع رجوع خواهد شد و تقاضاهائی که بدون رعایت شرایط مزبور باشد بلااثر می ماند.

ماده ۵۰- کمیسیون در اردیبهشت ماه هر سال از متقاضیان ترفیع که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر هستند اختیار عملی و از غیر ایشان اختیار علمی و عملی به عمل آورده و با توجه به سایر شرایط نظر خود را بر قبول یا رد تقاضای ترفیع اظهار می دارد.

ماده ۵۱- رد تقاضای ترفیع در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در هیئت مدیره است و تصمیم هیئت مزبور قطعی است.

ماده ۵۲- کمیسیون ترفیع به ترتیب مقرر در ماده ۳۵ این آئین نامه تشکیل می شود.

بخش پنجم- دادسرا و دادگاه انتظامی

ماده ۵۳- دادستان دادگاه انتظامی باید در مرکز لااقل دارای چهل سال سن و پانزده سال سابقه وکالت و معاون اول او دارای سی و پنج سال سن و ده سال سابقه وکالت و سایر معاونین دارای سی سال سن و پنج سال سابقه وکالت باشند. و در خارج مرکز دادستان لااقل باید دارای سی و پنج سال سن و پنج سال سابقه وکالت و معاونین دارای سی سال سن و سه سال سابقه وکالت بوده و هیچ یک محکومیت انتظامی از درجه سه به بالا و سوء شهرت نداشته باشند و از بین معاونین خارج مرکز کسی که سابقه وکالتش بیشتر است سمت معاونت اول خواهد داشت.

ماده ۵۴- دادرسان دادگاه انتظامی باید دارای شرایط عضویت هیئت‌مدیره بوده و محکومیت انتظامی از درجه ۳ به بالا نداشته باشند.

ماده ۵۵- دادگاه انتظامی در مرکز ممکن است دارای شعب متعدد باشد در این صورت پرونده‌ها برای رسیدگی از طرف رئیس کانون به هر یک از دادگاهها رجوع می‌شود.

ماده ۵۶- انتخاب دادستان و معاونین و دادرسان از طرف هیئت‌مدیره برای مخفی و به اکثریت دوثلث اعضاء حاضر در جلسه به عمل می‌آید.

ماده ۵۷- از بین دادرسان اصلی کسی که سابقه وکالت او زیادت‌تر است سمت ریاست دادگاه را دارد و اگر سابقه وکالت معلوم نباشد مسن‌ترین دادرس اصلی سمت ریاست خواهد داشت و در صورت تساوی سن یا سابقه دادرسان برای مخفی یا قرعه از بین خود رئیس دادگاه را تعیین می‌نماید.

ماده ۵۸- موارد رد و امتناع دادستان و معاونین ایشان و دادرسان همان است که طبق آئین دادرسی مدنی برای دادرسان دادگاههای عمومی مقرر است به علاوه در موردی که وکیل شاکی یا مشتکی‌عنه یا شریک یا وکیل یکی از طرفین بوده ولو شرکت بطور کلی باشد باید از رسیدگی امتناع نمایند.

ماده ۵۹- در صورتی که متصدی تحقیقات ممنوع از رسیدگی باشد رسیدگی به معاون دیگر رجوع می‌شود و اگر دادستان ممنوع از رسیدگی باشد معاون اول مستقلاً در آن مورد وظیفه دادستان را انجام می‌دهد و اگر معاون اول هم ممنوع باشد یکی از نواب رئیس وظیفه دادستان را انجام خواهد داد.

ماده ۶۰- در مورد غیبت یا ممنوع بودن دادرس اصلی دادرس علی‌البدل در رسیدگی دخالت می‌نماید و اگر عده کافی برای رسیدگی نباشد از دادرسان شعبه دیگر تکمیل می‌شود و اگر شعبه دیگر نباشد هیئت‌مدیره به جای اشخاص غائب و ممنوع از بین اشخاص واجد شرایط اشخاص دیگری را به عنوان عضویت علی‌البدل تعیین می‌نماید که در رسیدگی دخالت نمایند.

ماده ۶۱- شکایت از تخلفات و اخلاق و رفتار وکلاء ممکن است کتبی باشد یا شفاهی. شکایت کتبی در دفتر کانون ثبت و رسید داده می‌شود و نزد دادستان فرستاده خواهد شد و شکایت شفاهی در صورت مجلس درج و به امضاء شاکی می‌رسد. دادستان شخصاً یا به وسیله یکی از معاونین نسبت به شکایات رسیدگی و اظهار عقیده می‌نماید.

ماده ۶۲- از هر طریق اطلاعی راجع به تخلف یا سوء اخلاق و رفتار وکیل به رئیس کانون برسد و آن را قابل توجه تشخیص دهد به دادرسا رجوع می‌نماید و دادرسا باید به موضوع رسیدگی کرده اظهار عقیده نمایند.

ماده ۶۳- در صورتی که دادستان حضور مشتکی‌عنه را برای اداء توضیحات و کشف حقیقت لازم بداند و او را احضار نماید و بدون عذر موجه حاضر نشود ممکن است عدم حضور قرینه صدق نسبتی که به او داده شده تلقی شود. (این ماده ابطال شد)
تبصره- عذر موجه همان است که در قانون وکالت و آئین دادرسی مقرر است و باید کتباً به ضمیمه دلیل آن در موقع معین برای رسیدگی به‌متصدی تحقیقات داده شود.

ماده ۶۴- دادستان پس از رسیدگی در صورتی که عقیده بر تعقیب داشته باشد ادعانامه صادر و به دادگاه می فرستد و در صورتی که عقیده بر منع تعقیب داشته باشد قرار منع تعقیب صادر خواهد کرد.

در صورتی که بین دادستان و معاون او که متصدی تحقیقات بوده در تعقیب و تطبیق موضوع با ماده آئین نامه اختلاف حاصل شود نظر دادستان متبع است.

ماده ۶۵- قرار منع تعقیب از طرف شاکی و رئیس کانون در ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در دادگاه انتظامی وکلا است و در صورتی که دادگاه قرار منع تعقیب را صحیح دانست آن را استوار می نماید و در صورتی که موضوع را قابل تعقیب تشخیص داد رسیدگی کرده حکم می دهد.

ماده ۶۶- پس از رسیدن ادعانامه یا تقاضای رسیدگی از طرف اشخاصی که حق تقاضا دارند و آماده بودن موضوع برای رسیدگی رونوشت ادعانامه یا تقاضا به وسیله مأمور کانون یا پست سفارشی دو قبضه به شخص مورد تعقیب ابلاغ می شود که در مرکز و اطراف آن تا شعاع شصت کیلومتر در ظرف ده روز پس ابلاغ و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر تا مرکز باشد در ظرف یک ماه هرگونه جوابی دارد بدهد.

ماده ۶۷- پس از رسیدن جواب یا انقضاء مهلت وقت رسیدگی به اطلاع دادستان می رسد و در وقت مزبور دادگاه رسیدگی کرده حکم می دهد و اگر توضیحی دادستان لازم بداند یا دادگاه توضیحی از دادستان بخواهد در جلسه رسیدگی استماع می شود و اگر توضیح از اشخاص مورد تعقیب لازم باشد صریحاً در صورت مجلس ذکر و ضمن اخطار وقت رسیدگی به او اخطار می شود که در موقع معین حاضر شده شفاهاً توضیح دهد یا توضیحات خود را کتباً به دادگاه بفرستد چنانچه پاسخ مشتکی عنه در موقع نرسید و شخصاً هم حاضر نشده باشد دادگاه رسیدگی کرده حکم می دهد و حکم مزبور حضوری محسوب است.

ماده ۶۸- دادگاه باید نسبت به موضوعاتی که به آن رجوع می شود رسیدگی کرده رأی بدهد و در صورت ثبوت تخلف می تواند مجازات شدیدتر از مورد تقاضا تعیین نماید و در مورد تقاضای تعلیق باید خارج از نوبت رسیدگی کرده رأی بدهد و در موردی که موضوع متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نباشد باید رسیدگی را موقوف به فراغ از جنبه کیفری نماید.

ماده ۶۹- مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیونها راجع به انجام وظایف شان هیئت مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود.

ماده ۷۰- وکلاء مکلفند محل سکونت خود را بطور صریح و روشن به کانون اطلاع دهند که مأمور کانون یا دادگستری یا پست بتوانند هرگونه اوراقی را در آن محل به ایشان ابلاغ نمایند و در صورت تغییر محل باید محل جدید را در ظرف ده روز به نحوی که ذکر شده کتباً به کانون اطلاع دهند و اوراقی که به محل مزبور فرستاده می شود ابلاغ شده محسوب است.

ماده ۷۱- کلیه اوراقی که از کانون و دادرسا و دادگاه به وسیله پست سفارشی برای اشخاص فرستاده می شود در مرکز تا شعاع شصت کیلومتر پنج روز پس از تسلیم به دفتر پست و در خارج مرکز که فاصله آن بیش از شصت کیلومتر باشد بیست روز پس از تسلیم به دفتر پست ابلاغ شده محسوب است. مگر کسی که اوراق برای او فرستاده شده ثابت نماید که بعد از مهلت مقرر رسیده که در این صورت تاریخ رسیدن به او تاریخ ابلاغ محسوب است یا ثابت نماید اصلاً نرسیده که در این صورت ابلاغ تجدید می شود. و اوراقی که به وسیله مأمور فرستاده می شود

تاریخ رساندن آن به رؤیت طرف تاریخ ابلاغ شده محسوب است و در موردی که از گرفتن اوراق از مأمور کانون یا دادگستری یا پست و رؤیت آنها امتناع شود ابلاغ شده محسوب خواهد شد.

ماده ۷۲- مراجع رسمی مکلفند به اسرع اوقات اطلاعاتی را که دادگاه یا دادسرا یا هیئت مدیره و شعب کانون می خواهد بدهند مگر در موردی که دادن اطلاع قانوناً ممنوع باشد و دادستانها یا نمایندگان ایشان مکلفند تحقیقاتی را که کانون از شاکی یا مشتکی عنه یا مطلعین تقاضا می نماید انجام داده بفرستند و تخلف از آن مستوجب تعقیب انتظامی است. (این ماده ابطال شد)

ماده ۷۳- چنانچه نسبتی که به شخص مورد تعقیب داده شده متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نیست رسیدگی انتظامی موقوف به فراغ از جنبه کیفری در مراجع عمومی خواهد شد.

ماده ۷۴- در مورد ماده ۱۵ لایحه استقلال کانون و همچنین در مورد تقاضا از طرف رئیس کانون یا هیئت مدیره در صورتی که دادستان مخالف با تعقیب باشد صدور ادعانامه لازم نیست و رسیدگی به دادگاه انتظامی رجوع می شود.

ماده ۷۵- نسبت به احکام دادگاه انتظامی وکلاء رئیس کانون و دادستان و سایر اشخاص و مقامات مذکور در ماده ۱۵ و ۱۶ لایحه استقلال کانون و نسبت به احکام مجازات از درجه ۴ به بالا محکوم علیه در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با رعایت مسافت طبق آئین دادرسی مدنی می توانند از دادگاه عالی انتظامی قضات درخواست تجدیدنظر نمایند و دادگاه مزبور رسیدگی کرده در صورت عدم ورود اعتراض حکم را استوار و الا حکمی را که به نظر خود مقتضی می دانند صادر می نمایند.

بخش ۶- تخلفات و مجازات آنها

ماده ۷۷- مجازاتهای انتظامی عبارتست از:

- ۱- اخطار کتبی.
- ۲- توبیخ با درج در پرونده.
- ۳- توبیخ یا درج در روزنامه رسمی و مجله کانون.
- ۴- تنزل درجه.
- ۵- ممنوعیت از سه ماه تا سه سال. (این بند ابطال شد)
- ۶- محرومیت دائم از شغل وکالت. (این بند ابطال شد)

تبصره- در موردی که برای قبول وکالت یا انتقال یا گرفتن سند مجازات انتظامی تعیین شده وکالت و انتقال مال و سندی که از اشخاص گرفته شده در دادگاهها و سایر مراجع رسمی قابل ترتیب اثر نخواهد بود. (این تبصره ابطال شد)

ماده ۷۷- مجازات تخلف از نظاماتی را که کانون برای وکلاء دادگستری تعیین می نماید درجه ۱ و ۲ است که از طرف رئیس کانون مستقلاً یا به پیشنهاد دادستان انتظامی تعیین و اجرا می شود و اختیار رئیس کانون مانع صلاحیت دادگاه برای تعیین مجازات درجه ۱ و ۲ نخواهد بود.

ماده ۷۸- متخلف از هر یک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ محکوم خواهد شد:

۱- چنانکه به دو یا چند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.

۲- کارهای معاضدت قضائی را که از طرف کانون و دفاع از متهمین را که از طرف دادگاهها در حدود قانون و نظامات به ایشان ارجاع می شود به خوبی و یا علاقه مندی انجام دهد.

۳- کلیه اوراق فرستاده از کانون را اعم از نامه یا اخطار یا رونوشت ادعانامه یا حکم که به وسیله مأمور یا پست فرستاده می شود به محض ارائه قبول و رؤیت کرده رسید بدهد.

ماده ۷۹- متخلف از هر یک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ یا ۴ محکوم خواهد شد:

۱- از تجاهر به استعمال مسکر و افیون و سایر مواد مخدره و مراده در اماکن فساد اجتناب نماید.

۲- در مقابل وجه یا مال دیگری که از موکل دریافت می نماید رسید بدهد.

۳- در صورتی که بعد از انقضای مدت تمبر پروانه بدون تحدید تمبر و ثبت پروانه وکالت نماید.

۴- در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تأخیر افتد.

ماده ۸۰- در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شود:

۱- در صورتی که به کارگیری اشتغال پیدا کند که منافای با شئون وکالت است و با تذکر این نکته از طرف کانون به شغل مزبور ادامه دهد یا مرتکب اعمال و رفتاری شود که منافای شئون وکالت است.

۲- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه که دارد معرفی نماید.

۳- در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید.

۴- در صورتی که زائد بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرارداد داده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارتت یا زائد بر هزینه های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد.

۵- در صورتی که استعفاء خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد.

۶- در صورتی که پس از ابلاغ حکم یا قرار یا اخطاری که مستلزم دادن خرج یا اقدامی از طرف موکل است به اسرع اوقات به موکل یا متصدی امور او اطلاع ندهد و موجب تضییع حقی از موکل شود.

۷- در صورتی که نسبت به موضوعی که قبلاً به مناسبت سمت قضائی یا داوری اظهار عقیده کتبی کرده قبول وکالت نماید.

۸- در صورتی که در یکی از وزارتخانه ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاههایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است سمت وکالت یا مشاور حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید.

۹- در صورتی که برای تطویل دادرسی به وسیله خدعه آمیز از قبیل رد دادرسی یا داور یا استعفا از وکالت و قبول مجدد وکالت متوسل شود.

۱۰- در صورتی که در مذاکرات کتبی و شفاهی نسبت به دادنامه یا سایر مقامات رسمی و وکلا و اصحاب دعوی و سایر اشخاص برخلاف احترام اظهاری بنماید.

ماده ۸۱- متخلف در موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد:

۱- در صورتی که دعوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به نام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد.

۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از اینکه اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت و اعتبار موکل باشد.

۳- در صورت تخلف از قسم.

ماده ۸۲- متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ محکوم خواهد بود.

- ۱- کسانی که برخلاف قانون خود را واجد شرایط وکالت معرفی کرده و پروانه گرفته باید در ظرف یک ماه از تاریخ اجراء این آئین نامه کتباً به کانون اطلاع داده و پروانه خود را تسلیم نمایند و در صورتی که در حین دریافت پروانه واجد شرایط بوده و بعد فاقد یکی از شرایط گردد باید در ظرف ده روز از تاریخ فاقد شدن شرط کانون را کتباً مطلع نموده و پروانه خود را تسلیم نمایند.
- ۲- در صورتی که بعد از استعفا یا عزل از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند.
- ۳- در صورتی که ثابت شود وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد.
- ۴- در صورتی که خلاف عذری که برای حضور به دادگاه یا سایر مراجع یا دادرسی یا دادگاه انتظامی وکلاء اعلام کرده ثابت شود.
- ماده ۸۳- هیچ تخلفی را نمی شود عفو کرد و اگر موجبی برای تخلف باشد دادگاه در موردی که مجازات دارای حداقل و اکثر است می تواند مجازات حداقل را تعیین نماید و در سایر موارد یک درجه تخفیف بدهد.
- ماده ۸۴- هر کس محکوم به مجازات انتظامی شده و در مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن حکم مرتکب تخلفی نظیر تخلف مورد حکم شود به یک یا دو درجه بالاتر مجازات مورد حکم محکوم خواهد شد.
- ماده ۸۵- استرداد شکایت یا استعفاء مشتکی عنه مانع تعقیب و رسیدگی انتظامی نیست لیکن استرداد شکایت موجب تخفیف مجازات است.
- ماده ۸۶- این ماده ابطال شد.

ماده ۸۷- در صورتی که نسبت به وکلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت کیفر خواست صادر شود دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلاء رجوع می شود و در صورتی که دادگاه دلائل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد حکم تعلیق موقت او را صادر می نماید و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به دادگاهها ابلاغ می شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً در مورد جنحه هائی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلاء ادامه وکالت منافی شئون وکالت است محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله کانون آگهی و به دادگاهها ابلاغ می شود.

ماده ۸۸- کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین نامه خواهند بود.

ماده ۸۹- تعقیب انتظامی مانع تعقیب مدنی یا کیفری نیست.



با خدمات متفاوت فراهداف

مطمئن قبول شوید.

وکالت | مشاورت | مشاوران حقوقی | سردفتری

مشاوره رایگان

۰۲۱-۸۸۸۰۱۸۸۳

۰۹۳-۸۸۸۰۱۸۸۳

www.farahadaf.ir